****

[حکم لزوم تعویض سوره برای کسی که مقدار معتد به از حمد را نمی تواند بخواند 1](#_Toc487381677)

[ادله لزوم تعویض سوره 1](#_Toc487381678)

[دلیل اول: آیه 1](#_Toc487381679)

[دلیل دوم، روایت فضل بن شاذان: 2](#_Toc487381680)

[بررسی سندی کتاب علل فضل بن شاذان 2](#_Toc487381681)

[اشکال اول( کلام آیت الله سیستانی) 2](#_Toc487381682)

[اشکال دوم 4](#_Toc487381683)

**موضوع**: حکم نماز ملحون /نماز طواف /حج، واجبات طواف

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## حکم لزوم تعویض سوره برای کسی که مقدار معتد به از حمد را نمی تواند بخواند

سخن در بررسی ادله ای بود که از آن استفاده شده که کسی که مقدار معتد به از سوره حمد را بلد نیست، تعویض کند به خواندن مقداری از دیگر سور آیاتی که بلد است و یا جمع بین هر دو کند و اگر سوره دیگری هم بلد نیست، تسبیح بگوید؟

### ادله لزوم تعویض سوره

#### دلیل اول: آیه

 آیه ﴿فاقرووا ما تیسر منه﴾[[1]](#footnote-1) بود که در دلالت آن اشکال کردیم.

#### دلیل دوم، روایت فضل بن شاذان:

و دلیل دوم، روایت فضل بن شاذان بود که به نظر ما ضعف دلالی دارد، زیرا کتاب علل الشرائع فضل بن شاذان، در مقام بیان برخی از فوائد احکام است و نه این که علل احکام را بیان کرده باشد و اگر تعبیر به حکمت کنیم نیز تمام الحکمة نیست و بیش از این ظهور ندارد و بسیاری از این اموری که بیان شده، از باب تقریب به ذهن است و نه این که علل احکام باشد یا تمام الحکمة باشد تا قابل تعدی به دیگر موارد باشد.

##### بررسی سندی کتاب علل فضل بن شاذان

دو اشکال سندی در این کتاب شده است:

##### اشکال اول( کلام آیت الله سیستانی)

آیت الله سیستانی فرموده: کتاب علل فضل بن شاذان، کتاب حدیث نیست، بلکه تالیف خود فضل بن شاذان است و لذا مطالب این کتاب را نمی توان به امام رضا علیه السلام نسبت داد.

آیت الله سیستانی رساله ای در این زمینه دارند و در آن فرموده: در کتاب علل فضل بن شاذان تعابیری وجود دارد که تناسبی با کلام امام علیه السلام ندارد و شواهد داخلی بر عدم حدیثی بودن این کتاب است و شواهد خارجی نیز داریم بر این مطلب که اصلا فضل بن شاذان امام رضا علیه السلام را درک نکرده است.

###### شواهد بر عدم استناد کتاب علل ، به امام معصوم ع

اما شواهد داخلی:

شاهد اول:

فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ فَأَخْبِرْنِي لِمَ كَلَّفَ الْخَلْقَ قِيلَ لِعِلَلٍ فَإِنْ قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنْ تِلْكَ الْعِلَلِ مَعْرُوفَةٌ مَوْجُودَةٌ هِيَ أَمْ غَيْرُ مَعْرُوفَةٍ وَ لَا مَوْجُودَةٍ قِيلَ بَلْ هِيَ مَعْرُوفَةٌ مَوْجُودَةٌ عِنْدَ أَهْلِهَا فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ أَ تَعْرِفُونَهَا أَنْتُمْ أَمْ لَا تَعْرِفُونَهَا قِيلَ لَهُمْ مِنْهَا مَا نَعْرِفُهُ وَ مِنْهَا مَا لَا نَعْرِفُه‏[[2]](#footnote-2)

این گونه تعابیر اصلا به کلام امام معصوم علیه السلام نمی خورد، کما این که سائل می پرسد علت تکلیف مخلوقین چیست و به این جا می رسد که در جواب می شنود این علل نزد اهلش معروف و موجود است و بعد سائل می پرسد شما هم آن را می دانید و در جواب گفته می شود برخی از آن ها را می دانیم و طبعا این شخص نمی تواند امام معصوم علیه السلام باشد که برخی از این علل را نمی داند، با این که نزد اهلش این علل شناخته شده است.

شاهد دوم: َ

قَدْ رُوِيَ عَنْ بَعْضِ الْأَئِمَّةِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ لَيْسَ مِنْ مَيِّتٍ يَمُوتُ إِلَّا خَرَجَتْ مِنْهُ الْجَنَابَةُ فَلِذَلِكَ وَجَبَ الْغُسْل‏[[3]](#footnote-3)

این عبارت می گوید علت تشریع غسل میت این است که هر میتی از او منی خارج می شود و باید غسلش دهند، و از طرفی می دانیم غسل میت به بالغین اختصاص ندارد، در حالی که از بچه که منی خارج نمی شود که غسل بخواهد و همین طور تعبیر روی عن بعض الائمة خلاف این است که از امام معصوم صادر شده باشد.

لذا صدوق هم در برخی موارد می گوید خلط الفضل، یعنی فضل اشتباه کرده است، اگر حدیث بود که خلط گفته نمی شد، او راوی است و باید حدیثش توجیه شود و یا طرح شود، ولی ربطی به راوی ندارد، و معلوم می شود که صدوق هم جازم نبوده که این کتاب احادیث امام علیه السلام باشد.

شواهد خارجی:

فضل بن شاذان اصلا امام رضا علیه السلام را درک نکرده است، چه رسد به این که از فضل سوال شد که این کتاب را از خودت نوشتی یا کلام امام علیه السلام است او گفت: شیئا بعد شیء از امام شنیدم، با این که اصلا امام را درک نکرده که شیئا فشیئا از حضرت شنیده باشد.

نجاشی می گوید: پدر فضل که شاذان بن خلیل است، از امام جواد علیه السلام حدیث نقل می کند و از اصحاب آن حضرت است، معنا ندارد که پسرش از اصحاب امام رضا علیه السلام باشد: الفضل بن شاذان بن الخليل أبو محمد الأزدي النيشابوري (النيسابوري) كان أبوه من أصحاب يونس، و روى عن أبي جعفر الثاني، و قيل [عن‏] الرضا أيضا عليهما السلام[[4]](#footnote-4)

شیخ طوسی در رجال می گوید: فضل بن شاذان از اصحاب امام هادی علیه السلام بوده است و جزء اصحاب امام عسکری هم بوده و اصلا حتی ضمن اصحاب امام جواد علیه السلام هم او را ذکر نکرده است.

##### اشکال دوم

محقق خوئی فرموده: در سند اول این روایت، ابن عبدوس قرار گرفته که توثیق ندارد و همچنین ابن قتیبة قرار دارد که وی هم توثیق ندارد و در سند دوم جعفر بن نعیم بن شاذان و محمد بن شاذان قرار دارند که توثیق ندارند.

البته آیت الله زنجانی فرموده ابن عبدوس از مشایخ صدوق است و شیخ صدوق نسبت به او ترضی کرده و نمی شود ضعیف باشد و ابن قتیبة هم کسی است که احمد بن ادریس قمی که از اجلاء است، نقل حدیث از او کرده است و شیخ روایت اوست و شیخ اجلاء بودن، دلیل بر وثاقت است، ما نیز توثیق اولی را قبول داریم، اما در دومی اشکال داریم.

###### نقد و بررسی اشکال دوم

اما صدوق دو سند آورده برای این کتاب و شیخ طوسی در فهرست سند سومی نقل می کند: الفضل بن شاذان النيشابوري‌فقيه متكلم جليل القدر، له كتب و مصنفات، منها كتاب الفرائض الكبير، و كتاب الفرائض الصغير، و كتاب الطلاق، و كتاب المسائل الأربع في الإمامة، و كتاب الرد على ابن كرام و كتاب المسائل و الجوابات، و كتاب النقض على الإسكافي في الجسم، و كتاب المتعتين متعة النساء و متعة الحج، و كتاب الوعيد و المسائل في العالم و حدوثه، و كتاب الأعراض و الجواهر، و كتاب العلل ...[[5]](#footnote-5)

برای ما این سه سند وثوق می آورد و لذا اشکال در این روایت متمحض در اشکال دلالی خواهد بود، و از جهت سندی مشکلی ندارد.

###### بررسی اشکال اول و رد شواهد مذکور

این اشکال سبب نمی شود که از شهادتی که به سه سند این کتاب را از فضل و او از امام رضا علیه السلام دانسته رفع ید کنیم، مگر قطع به خلاف آن حاصل شود:

سند اول: صدوق می گوید:

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُبْدُوسٍ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ قُلْتُ لِلْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ لَمَّا سَمِعْتُ مِنْهُ هَذِهِ الْعِلَلَ أَخْبِرْنِي عَنْ هَذِهِ الْعِلَلِ الَّتِي ذَكَرْتَهَا عَنِ الِاسْتِنْبَاطِ وَ الِاسْتِخْرَاجِ وَ هِيَ مِنْ نَتَائِج‏ الْعَقْلِ أَوْ هِيَ مِمَّا سَمِعْتَهُ وَ رَوَيْتَهُ فَقَالَ لِي مَا كُنْتُ أَعْلَمُ مُرَادَ اللَّهِ بِمَا فَرَضَ وَ لَا مُرَادَ رَسُولِهِ ص بِمَا شَرَعَ وَ سَنَّ وَ لَا أُعَلِّلُ ذَلِكَ مِنْ ذَاتِ نَفْسِي بَلْ سَمِعْنَا مِنْ مَوْلَايَ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ وَ الشَّيْ‏ءَ بَعْدَ الشَّيْ‏ءِ فَجَمَعْتُهَا فَقُلْتُ فَأُحَدِّثُ بِهَا عَنْكَ عَنِ الرِّضَا (عليه السلام) فَقَالَ نَعَمْ‏.[[6]](#footnote-6)

سند دوم در عیون:

حدثنا الحاكم أبو محمد جعفر بن نعيم بن شاذان النيسابوري رضي الله عنه عن عمه أبي عبد الله محمد بن شاذان عن الفضل بن شاذان أنه قال سمعت هذه العلل من مولاي أبي الحسن بن موسى الرضا (عليه السلام) فجمعتها متفرقة و ألفتها.[[7]](#footnote-7)

سند سوم در من لایحضره الفقیه:

و ما كان فيه عن الفضل بن شاذان من العلل الّتي ذكرها عن الرّضا عليه السّلام فقد رويته عن عبد الواحد بن عبدوس النّيسابوريّ العطّار- رضي اللّه عنه- عن عليّ ابن محمّد بن قتيبة، عن الفضل بن شاذان النيسابوريّ، عن الرّضا عليه السّلام.[[8]](#footnote-8)

با وجود این شهادت، می شود به اشکالات آیت الله سیستانی جواب داد، زیرا ما قبول داریم که نحوه تنظیم کتاب از فضل بن شاذان است و آن شواهد داخلی به این معنا صحیح است، اما این ها تنظیم مطالب است، اما اساس مطالب را از حضرت می گوید شنیده ام و نهایت این است که دو مورد خطای مضمونی دارد، این دلیل نمی شود که همه این کتاب از غیر امام باشد، مثل دیگر رواة، همچون عمار ساباطی که خود آیت الله سیستانی بر او اعتماد دارد، با این که حدیثی از امام علیه السلام نقل کرده که امام علیه السلام تعجب کرد و فرمود من چنین چیزی نگفته ام، اما دلیل نمی شود دیگر اخبار او نادرست باشد.

و گرچه ایشان در حجیت خیر، وثوق صدوری است، اما از اخبار عمار وثوق حاصل می کند، فکذلک فضل بن شاذان.

«خلط الفضل» هم که صدوق گفت، شاید به این جهت بوده باشد که تحلیلش این بوده که این مطلب که نمی شود از امام رضا علیه السلام باشد، پس لابد فضل اشتباه کرده،، کما این که شیخ صدوق حدیثی از کافی نقل کرده و آن را عوض کرده، مفاد حدیث این است که خداوند مانع شد که اهل معصیت او را اطاعت کنند، تا علمش به این که این ها اهل معصیت هستند، مطابق با واقع در آید که صریح در جبر است، اما شیخ صدوق در کتاب توحید با همین سند، حدیث را عوض می کند و می گوید فلم یمنعهم من طاعته.

یا مثلا در زیارت امام حسین علیه السلام آمده إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُم[[9]](#footnote-9)‏ ، اما شیخ صدوق این را حذف کرده، چون معتقد است که غلو است و فقط همین قسمت زیارت را حذف کرده است.

علاوه بر این که خود مرحوم صدوق چند سند به کتاب فضل از امام رضا علیه السلام نقل می کند و معنا ندارد که خودش این کتاب را از امام رضا علیه السلام ندانسته باشد.

اتفاقا مواردی که گفته خلط الفضل، خود مرحوم صدوق اشتباه کرده و نه فضل بن شااذان که وارد آن بحث نمی شویم.

اما شواهد خارجی، این که پدر فضل از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام نباشد، مهم نیست، ممکن است او خدمت حضرت نرفته باشد و از اصحاب حضرت نبوده باشد، ولی بعد مدینه رفته باشد و از امام جواد علیه السلام روایت کرده باشد، اما فضل از نوجوانی خدمت حضرت رفته باشد و ملازم آن حضرت بوده باشد.

و این که شیخ طوسی و نجاشی رساله علل فضل را مطرح نکرده اند، دلیل نمی شود که چنین چیزی نبوده باشد، شاید عدم ذکر آن به سبب عدم اطلاعشان بر این رساله بوده باشد.

ما چهار روایت دیگر در عیون اخبار الرضا غیر از این روایت پیدا کردیم که فضل می گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم و دو روایت هم در کتاب توحید پیدا کردیم.

شاهد دیگر این که فضل از حماد بن عیسی 136 حدیث نقل کرده است و حماد حد اکثر هفت سال بعد از شهادت امام رضا علیه السلام فوت کرده در سال 208 و حماد مقیم کوفه بوده است، طبعا فضل در خراسان قبل از این که به عراق برود، می تواند از امام رضا علیه السلام نقل کند و همچنین از صفوان بن یحیی 316 حدیث که متوفی سال 210 است نقل می کند، استبعادی ندارد که از امام رضا علیه السلام هم نقل کند، با این که صفوان ایران نبوده، بلکه عراق بوده و طبعا قبل از رفتن به عراق می تواند از امام رضا علیه السلام حدیث نقل کرده باشد و کتاب را کامل کرده باشد.

پس اشکال اول سندی وارد نیست.

البته ما مطالب آیت الله سیستانی را خلاصه کردیم و ما هم رساله ای در این زمینه نوشته ایم که همه مطالب ایشان را در آن آورده ایم.

1. [سوره مزمل، آيه 20.](http://lib.eshia.ir/17001/1/575) [↑](#footnote-ref-1)
2. [علل الشرائع ج‏1 252 182 باب علل الشرائع و أصول الإسلام ..... ص : 247](http://lib.eshia.ir/10107/1/252) [↑](#footnote-ref-2)
3. [علل الشرائع ج‏1 268 182 باب علل الشرائع و أصول الإسلام ..... ص : 247](http://lib.eshia.ir/10107/1/268) [↑](#footnote-ref-3)
4. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص306.](http://lib.eshia.ir/14028/1/306/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B6%D9%84%20%D8%A8%D9%86%20%D8%B4%D8%A7%D8%B0%D8%A7%D9%86) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الفهرست، شیخ طوسی، ج1، ص197.](http://lib.eshia.ir/14010/1/197/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B6%D9%84%20%D8%A8%D9%86%20%D8%B4%D8%A7%D8%B0%D8%A7%D9%86) [↑](#footnote-ref-5)
6. [علل الشرائع ج‏1 274 182 باب علل الشرائع و أصول الإسلام ..... ص : 247](http://lib.eshia.ir/10107/1/274) [↑](#footnote-ref-6)
7. [عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج2، ص121.](http://lib.eshia.ir/86808/2/121/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B6%D9%84%20%D8%A8%D9%86%20%D8%B4%D8%A7%D8%B0%D8%A7%D9%86) [↑](#footnote-ref-7)
8. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج4، ص457.](http://lib.eshia.ir/11021/4/457/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B6%D9%84%20%D8%A8%D9%86%20%D8%B4%D8%A7%D8%B0%D8%A7%D9%86) [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، الشیخ الکلینی، ج4، ص577.](http://lib.eshia.ir/11005/4/577/%D9%82%D8%A8%D8%B1%20%D8%A7%D8%A8%DB%8C%20%D8%B9%D8%A8%D8%AF%20%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87) [↑](#footnote-ref-9)